

یادداشت

فشار حداکثری با ابزارهای جدید



عقیقه عابدی

کارشناس مسائل بین الملل

یکی از کشورهایی که همواره جایگاه خاصی در سیاست خارجی آمریکا و مبارزات انتخابات ریاست جمهوری این کشور دارد، جمهوری اسلامی ایران است. بازنامایی و تصویرسازی از رفتارهای ایران در سیاست خارجی آمریکا و مقامات واشنگتن، اغلب به عنوان تهدیدی بالقوه و بالفعل انجام می‌شود. این تهدید نمایی از ایران نیز در واقع به دلایل مختلف برای مشروعیت دهی به سیاست‌های خصمانه آمریکا در برابر ایران، سیاست‌های متجاوزانه و سلطه طلبانه در خاورمیانه، ایجاد فضای بازتر در منطقه برای اسرائیل به عنوان متحد استراتژیک آمریکا و ابعاد دیگری چون افزایش فروش تسلیحات به کشورهای همسایه ایران است. این رویکرد دیگر آنقدر به امری متداول و عادی در سیاست خاورمیانه‌ای و بین‌المللی واشنگتن تبدیل شده است، که برای افکار عمومی نیز فارغ از اینکه چه کسی سکان دار کاخ سفید باشد، قابل فهم است که قرار نیست رویکرد کلان آمریکا نسبت به ایران تغییر کند. هر چند پس از یک سال جنگ غزه و تبدیل آن به آتش باری بین ایران و اسرائیل، برخی با ترامپ هراسی تلاش دارند، تهدید جنگ برای ایران را جدی‌تر از همیشه نشان دهند. اما بنا به ملاحظات گوناگون باید گفت کماکان ایران زدایی از طریق بازنامایی تصویر غیردوست‌داشتنی از ایران و جمهوری اسلامی ایران رویکرد اصلی آمریکا و متحدانش در منطقه و جهان خواهد بود. در همین راستا نیش‌پیش‌بینی می‌شود به تبع دهه‌های گذشته مشارکت در تصویرسازی زشت و تهدیدآمیز از ایران همچنان شغل پردرآمدی برای وطن‌فروشان و همکارانشان در خارج از ایران خواهد بود. احتمالا نیز از همین چند روز

پیش این افراد و همچنین حتی برخی اندیشکده‌های آمریکایی و غیرآمریکایی تدارک پروپوزال‌ها و برنامه‌های جدید برای نقش‌آفرینی در سیاست فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی را آغاز کرده‌اند. این در حالی است که یکی از عوامل تاثیرگذار بر اولویت‌های چالش‌ساز در سیاست خارجی آمریکا در کنار اسناد راهبردی و رویکردهای جناح حاکم، جریان‌های نفوذ به ویژه از نوع صهیونیستی هستند. لایه‌های سیاسی یا مالی صهیونیست علاوه بر اینکه اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا را جایه‌جای می‌کنند، با ورود به اتاق‌های فکر، نهادهای حقوقی و سیاسی آمریکایی و بین‌المللی، خرید چهره‌های تاثیرگذار و نفوذ در حلقه‌های فکری نخبگان تصمیم‌ساز، تلاش می‌کنند زمینه را برای تحقق اولویت‌های راهبردی سیاست خارجی آمریکا علیه ایران و در واقع اهداف اسرائیل فراهم کنند. آنها روند‌های مطلوب در این زمینه را هدایت می‌کنند و حتی برای افکار عمومی جهان تهدید‌های مد نظر آمریکا را تبیین می‌کنند. این جریان‌ها همزمان با اقدامات پشت پرده، منابع تکمیل‌کننده و خوراک تولید هراس‌های جمعی را نیز در رسانه‌های پرمخاطب تولید می‌کنند. رسانه‌های دیداری و شنیداری پربرازدید جهانی به عنوان ابزار دست لایه‌های اتاق‌های فکر پرنفوذ جهانی، نقش‌اندازنده مفاهیم و تصاویر و هم‌آلود و جهت‌دهی شده ایران را در سیاست‌های صهیونیستی و آمریکایی‌رایفا می‌کنند. این رابطه شبکه‌ای به قدری پیچیده است که گاهی پیداکردن سرنخ اصلی دشواری می‌شود. به عنوان مثال مارک دوپوویتز مدیر عامل اجرائی اندیشکده نیودفاع از دمکراسی‌ها در آمریکا یکی از افرادی است که با نام ایران و ارائه مشاوره درباره سیاست‌های ضد ایرانی به افراد و دولت‌ها تجارت می‌کند. او در دهه گذشته به دولت‌های متعدد و به خصوص جمهوری خواهان در کاخ سفید در زمینه مهار تسلیحاتی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مشاوره داده است. در سال ۲۰۱۷ یکی از مهم‌ترین راه‌پروازان برای واشنگتن جهت خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، قراردادن سیاه‌پاسدازان در لیست گروه‌های تروریستی، تشدید تحریم‌ها علیه سپاه، تزور شهید سردار قاسم سلیمانی و افزایش اتهامات حقوق بشری برای جمهوری اسلامی ایران «مارک دوپوویتز» بود. استراتژی اصلی و پیشنهاد دوپوویتز و بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، «تضعیف نهاد‌های حاکمیتی، امنیتی و نظامی ایران» با

استفاده از روش‌های مختلف و ترکیبی است. وی اخیرا در یادداشتی برای وال استریت ژورنال تجویز کرده است که پس از سرنگونی حلقه آتش ایران (فرماندهان مقاومت)، باید زنجیره آزادی از طریق برانگیختن ناراضیاتی داخلی علیه ایران ایجاد شود. به نظر می‌رسد در دولت دوم دونالد ترامپ نیز تجویزهای دوپوویتز برای رئیس جمهور آمریکا مقبولیت بیشتری داشته‌باشد. براین اساس پیش‌بینی می‌شود فشار حداکثری از طریق ایجاد بهانه‌های جدید حقوق بشری یا تسلیحاتی، تحریم و همزمان تهدید نظامی به عنوان گزینه‌هایمیشه حاضر روی میز، مهم‌ترین ابزارهای واشنگتن علیه تهران باشند. گفتنی است ابزارهای سخت‌افزاری تهدید به حمله نظامی و نرم افزاری تحریم‌های اقتصادی همواره به صورت مستمر بر روی میز تصمیم‌سازان جمهوری خواه و دموکرات بوده است. اما مهم‌ترین دلیل عدم قطعیت در حمله نظامی، افزایش ادراک تهدید توسط آمریکایی‌ها به دلیل افزایش سطح و میزان غنی‌سازی در سایت‌های غنی‌سازی در ایران است، در این رابطه نیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کماکان به ماموریت خود در سیاسی‌کاری بازرسی‌ها ادامه خواهد داد. البته این‌هشدار به معنای نفی همکاری با آژانس نیست، بلکه برای تدابیر بیشتر در این رابطه است. سفر رافائل گروس می‌دیوکرل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران نیز همزمان با طرح برخی درخواست‌ها در ایران برای بمب اتم معنای قابل توجهی دارد. در مجموع رویکرد فشار حداکثری کماکان ادامه خواهد داشت حتی اگر منجر به مذاکرات مودی شود. رویکرد جدید مافیای ضد ایرانی نیز احتمالا برخی چهره‌ها که پیشتر ماهیت مژوری خود برای عوامل خارجی را نشان داده‌اند، تلاش کنند خود را چهره‌های ملی‌گرا نشان دهند و یا چهره‌های جدید برای دور جدید فشار حداکثری، اغتشاش و تحریم از سوی رسانه‌های غربی بر ساخته شود. در این چارچوب البته برنامه افزایش عملیات‌های تروریستی و حذف فیزیکی مقامات ایران نیز کماکان ادامه خواهد داشت.

محمدتقی فاضل‌میبدی یزدی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پزشکیان چراغ سبز ترامپ را جدی بگیرد

پزشکیان باید سیاستی در پیش بگیرد که کشور

از ترامپ آسیب نبیند

نمی‌توان بر اساس اتفاقات گذشته درباره اکون و

آینده تصمیم گرفت

«آرمان ملی»- احسان انصاری : با به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا بسیاری از معادلات تغییر کرده است. ترامپ در دور اول ریاست جمهوری سیاست فشار حداکثری را علیه ایران لحاظ کرد و اخبار غیر رسمی حکایت از این دارد که در دور جدید ریاست جمهوری هم دنبال تکرار همان سیاست‌هاست. در سوی دیگر دولت پزشکیان موضع رسمی نسبت به پیروزی ترامپ در انتخابات نداشته و هنوز استراتژی خود را در مواجهه با ترامپ غیر قابل پیش‌بینی مشخص نکرده‌است. «آرمان ملی» برای تحلیل بررسی نحوه مواجهه ایران با ترامپ با حجت‌الاسلام محمدتقی میبدی یزدی استاد حوزه و دانشگاه گفت‌وگو کرده است. میبدی یزدی معتقد است: «هر کسی در آمریکا به قدرت برسد در ابتدا برای اینکه نشان بدهد در

با به قدرت رسیدن ترامپ فکر می‌کنید ایران در مواجهه با سیاست‌های وی باید چه رویکردی در پیش بگیرد؟

ایران باید این اصل را برای خود در نظر داشته باشد که هر فردی که در آمریکا به ریاست جمهوری برسد می‌توان یا وی مذاکره کرد. تفاوتی هم نمی‌کند که کسی که به قدرت رسیده جمهوری خواه باشد یا دموکرات. ایران می‌تواند از موضع عزت و سربلندی با هرکسی که شرایط مذاکره داشته باشد مذاکره کند و مذاکره و گفت‌وگو در مجموع اشکال ندارد. نکته دیگر اینکه هرکسی در آمریکا به قدرت برسد در ابتدا برای اینکه نشان بدهد در حال کم کردن دشمنان آمریکا است و قصد دارد خاورمیانه را آرام کند خود را آماده مذاکره نشان می‌دهد. این وضعیت درباره ترامپ نیز وجود دارد. واقعیت این است که ترامپ در دور اول ریاست جمهوری خود نیز در چند مورد چراغ سبز به ایران نشان داد. اما به دلیل عدم اعتماد به سیاست‌های او در داخل علاقه‌ای برای گفت‌وگو ایجاد نشد. امروز ما با ترامپی روبه‌رو هستیم که تقریباً با روش سیاست‌ورزی او آشنا شده‌ایم. با در نظر گرفتن مجموع شرایط کشور می‌توان از هر امکانی در جهت تحقق منافع ملی استفاده کرد. به همین دلیل من معتقدم اگر دوباره چراغ سبز نشان داده شد، آبی پزشکیان می‌تواند از فرصت استفاده کند. البته نمی‌توان منکر اتفاقات گذشته شد و به همین دلیل باید در مواجهه با چنین فردی تمام اصول را در نظر داشت. در دور قبل ریاست جمهوری ترامپ، شرایط به سستی حرکت کرد که او آمریکا را از برجام خارج کرد. با خروج آمریکا از برجام در حالی مسئولان ارشد کشور همچنان بر عهد خود در برجام استوار بودند و تلاش داشتند ایران را از این موافقت‌نامه بهره‌مند کنند. تئدروهای بی‌توجه به منافع ملی‌ساز خود رازدند و فضا را تند کردند. در داخل کشور تندروهایی وجود دارند که همواره فرصت‌ها را از کشور گرفته‌اند. من معتقدم حتی اگر ترامپ رفتاری غیر قابل پیش‌بینی هم داشته باشد، اما اگر بتوانیم بر اصول خود-که مبتنی بر منافع ملی است-پافشاری کنیم، در فرایندی مانند مذاکره می‌توان موضعی اتخاذ کرد که امتیاز‌های سیاسی برابر رد و بدل شود. من این فرصت را مشاهده می‌کنم.

آیا واکنش‌ها به پیروزی ترامپ در داخل کشور را به شکلی می‌بینید که شرایط برای گفت‌وگو از جانب عزت و احترام بین ایران و آمریکا وجود داشته باشد؟

برخی از همان ابتدا که پیروزی ترامپ قطعی شد، موضع تندی گرفتند و این مواضع تند در برخی روزنامه‌ها و رسانه‌ها علیه ترامپ مطرح شد. موضوعی که ممکن است باعث شود به ترامپ هم در مقابل بر فشارهای خود بیفزاید و دوباره به شکل حداکثری فشار وارد کند. به هر حال آمریکا برای اعمال فشار بر کشورها، ابزارهایی در اختیار دارد که می‌تواند حتی به شکل غیر اخلاقی و غیر اصولی علیه کشورهای دیگر به کار گیرد. حال اگر ترامپ بخواهد به ایران فشار وارد کند که در گذشته نیز این کار را انجام داده، ابزار و امکانات کافی در اختیار دارد. البته نکته‌ای در این بین وجود دارد و آن قابلیت‌های ایران است که کار را برای ترامپ سخت می‌کند. ایران یکی از کشورهای موثر در منطقه است. در حال حاضر که اسرائیل متحد استراتژیک آمریکا و مزاحم اصلی کشورهای منطقه محسوب می‌شود، در ماه‌های گذشته به شدت درگیر تنش‌ها و مقابله‌های موثر محور مقاومت بوده است. این تنش‌ها در نهایت فشار سنگینی به رژیم صهیونیستی وارد کرده است. در چنین شرایطی من معتقدم آقای پزشکیان می‌تواند رویکردی در پیش بگیرد که کشور نه تنها از ترامپ و سیاست‌های او آسیب نبیند، بلکه با باز کردن مسیرهای جدید در سیاست‌ورزی بین‌المللی سود هم نصیب کشور کند.

اگر بتوانیم بر اصول خود که مبتنی بر منافع ملی است پافشاری کنیم، در فرایندی مانند مذاکره می‌توان موضعی اتخاذ کرد که امتیاز‌های سیاسی برابر رد و بدل شود

چهارشنبه	سال پنجم	armanmeli.ir	۲۳ • ۰۸ • ۱۴۰۳
۱۱ جمادی الاول ۱۴۴۶ / ۱۳ نوامبر ۲۰۲۴	شماره ۱۹۷۰		



حال کم کردن دشمنان آمریکا است و قصد دارد خاورمیانه را آرام کند، خود را آماده مذاکره نشان می‌دهد. این وضعیت درباره ترامپ نیز وجود دارد. واقعیت این است که ترامپ در دور اول ریاست جمهوری خود نیز در چند مورد چراغ سبز به ایران نشان داد. اما به دلیل عدم اعتماد به سیاست‌های او در داخل علاقه‌ای برای گفت‌وگو ایجاد نشد. اما امروز ما با ترامپی روبه‌رو هستیم که تقریباً با روش سیاست‌ورزی او آشنا شده‌ایم. با در نظر گرفتن مجموع شرایط کشور می‌توان از هر امکانی در جهت تحقق منافع ملی استفاده کرد. به همین دلیل من معتقدم اگر دوباره چراغ سبز نشان داده شد، آقای پزشکیان می‌تواند از فرصت استفاده کند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اگر ترامپ بخواهد به ایران فشار وارد کند

که در گذشته نیز این کار را انجام داده، ابزار و امکانات کافی در اختیار دارد. البته ایران هم قابلیت‌هایی دارد که کار را برای ترامپ سخت می‌کند

پزشکیان در رقابت‌های انتخاباتی تمایل خود

را برای گفت‌وگو با غرب و آمریکا مطرح کرد و گفت در صورت رعایت اصول مورد قبول ایران، ابایی از این کار ندارد، اما می‌دانیم که تصمیم‌گیرنده نهایی در این زمینه

رئیس‌جمهور نیست؛ در دوره‌های قبل هم نبوده است. آیا شما این امکان را مشاهده می‌کنید که در نهایت به دولت چنین اجازه‌ای داده شود که مذاکره و گفت‌وگو را آغاز کند؟

این زمینه ضرورت دارد که نهاد‌های تصمیم‌گیر در کشور ابتدا به یک جمع بندی مورد قبول همه مسئولان ارشد برسند و بعد برای رسیدن به اهداف تعیین شده با دولت همکاری کنند. عالی‌ترین سطح مدیریت کشور، شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی باید در این زمینه ابتدا به جمع بندی نهایی برسند و برای همه حالت‌ها و وضعیت‌های احتمالی برنامه معین باشند. بعد از آن دولت پزشکیان را مورد حمایت قرار دهند تا دولت بتواند از فرصت‌هایی که ممکن است در آینده شکل بگیرد، استفاده کند. زمانی که باید در آمریکا به قدرت رسید هم تقریباً چنین فرصتی در دست داشتیم که با گفت‌وگوهای فشرده و صریح تحریم‌های ظالمانه دوره ترامپ را لغو کنیم. دولت باید در ابتدای کار قبول داشت که برخی تصمیم‌ها ترامپ غیر اصولی بوده است. فرصت خیلی زود از دست رفت و تحریم‌ها نه تنها کاهش نیافت بلکه بیشتر هم شد. درست است که ما بجز یک دوره کوتاه با آمریکا وارد درگیری نظامی‌گسترده نشده‌ایم اما مدت‌هاست که آمریکا شرایطی شبیه جنگ اقتصادی را بر ما تحمیل کرده است. جنگ اقتصادی می‌تواند گاهی

بیشتر از جنگ نظامی به یک کشور ضربه بزند. قیمت دلار در دولت اصلاحات، در طول چند سال در حد هزار تومان مانده بود اما امروز به ۷۰ هزار تومان رسیده است. افزایش قیمت دلار به معنای کاهش ارزش پول ملی است و در چنین جنگی که ارزش پول ملی ما را هدف گرفته، مردم بیش‌ترین لطمه را خواهند خورد. چه جنگ اقتصادی از این بدتر که ارزش پول ملی ما در طول این سال‌ها هفتاد برابر کاهش یافته است؟ زبانی که آمریکا با تحریم‌های ظالمانه به کشورمان وارد کرده، بسیار سنگین بوده است. هرچند تعداد این افراد کم شده اما دیگر کمتر کسی می‌توان دید که نگاهی مثبت به تحریم‌ها داشته باشد. من معتقدم چنین دیدگاهی صحیح نیست و تحریم‌ها ضررهای زیادی برای ما به همراه داشته و در نهایت به اقتصاد کشور ضربه وارد کرده است. این ضربه در انتها به مردم وارد شده و شرایط اقتصادی مردم را سخت‌تر کرده است. در این شرایط با فرارسیدن فصل سرما مساله ناترازی انرژی مطرح شده است. کمبود‌ها در زمینه تولید برق کار را دشوارتر کرده است. وضعیت انرژی مطلوب نیست و به احتمال زیاد با چالش قطعی برق و گاز مواجه خواهیم شد. یکی از دلایل این ناترازی از دست دادن فرصت توسعه زیرساخت‌های کشور بوده است. اینجا هم ردی از تحریم‌ها را می‌توان دید. اگر می‌توانستیم سرمایه‌های خارجی را جذب کرده و به سمت توسعه زیرساخت‌ها هدایت کنیم، شاید امروز از این ناترازی در رنج نبودیم. این سرمایه‌گذاری حتی می‌توانست از خارج از کشور باشد که در این زمینه موفق عمل نکرده‌ایم. من همه این چالش‌های راز چشم تحریم‌ها می‌بینم. زمانی که دبیری شورای عالی امنیت ملی در اختیار آقای جلیلی بود و ایشان به عنوان مذاکره‌کننده ارشد با کشورهای غربی گفت‌وگو می‌کرد، کمترین دستاوری حاصل نشد و بسیاری فرصت‌ها از دست رفت. بعد از آن، آقای روحانی تلاش کرد با برجام قدری وضعیت را بهبود ببخشد، اما ترامپ با خروج از برجام امکان بهره

تلنگر

رهزگشایی از جزئیات توافق ایران و روسیه

خیز ایران و روسیه برای دور زدن تحریم‌ها

سال ۲۰۲۲، همکاری ایران و روسیه به ویژه در حوزه نظامی ارتقا یافت و انتظار می‌رود دو کشور تا پایان سال جاری توافقنامه مشارکت استراتژیک جامع امضاکنند. به نوشته موسسه مطالعاتی جیمز تاون، این در حالی است که مسکو و تهران به دلیل تحریم‌های غرب با چالش‌هایی مواجه شده‌اند و مشتاق هستند توافقی را ارائه کنند که نشان دهنده مشارکت در حال تحول و مخالفت مشترک آنها با غرب جمعی باشد. در همین حال ظهور سازمان‌های فراملیتی مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای نشان دهنده فصل جدیدی در ژئوپلیتیک جهانی است که روسیه و ایران خود را به عنوان قدرت‌های در حال صعود در آن قرار می‌دهند.

هم‌صدايي تهران و مسکو

این موسسه مطالعاتی ادعا کرده، ولادیمیر پوتین و مسعود پزشکیان، روسای جمهوری روسیه و ایران، در جریان آخرین اجلاس بریکس که در تاریخ ۲۲ تا ۲۴ اکتبر (کرملین) برگزار شد، در کاژان روسیه دیدار کردند. پیش‌تر رهبران دو کشور در شقق آباد در باب روابط دو جانبه‌شان رایزنی‌هایی داشتند. ناظران بر این باورند که به واسطه جنگ در اوکراین و تصاعد تنش‌ها در خاورمیانه دوبار بزرگ‌به‌دنبال آن هستند تا روابط خود را ارتقا دهند. بالاخص آنکه تحریم‌های اعمالی غرب هر دو بازیگر را در موقعیت مشابهی قرار داده است. از همین روترهان و مسکومشتاق برای یافتن متحدان جدید - به دنبال ایجاد همکاری‌های سیاسی و نظامی نزدیک‌تر- هستند. مسکو و تهران در همین راستا توافقی را ارائه کردند که منعکس‌کننده اولویت‌های شان در جهان در حال تغییر است. همکاری بین دو ایران و روسیه تا سال ۲۰۲۲ به رغم بی‌اعتمادی متقابل در جبهه‌های مختلف افزایش یافت. انتظار می‌رود این روند با مضای توافق جامع‌که نوید بخش بازتعریف دامنه مشارکت استراتژیک آن‌ها باشد، به اوج خود برسد. اگرچه تاریخ دقیقی‌برای چنین امضایی هنوز مشخص نشده است. اما مسکو و تهران احتمالا به دنبال تصویب نوعی معاهده تا پایان سال خواهند بود، زیرا هر دو طرف خواهان امضای سریع توافقی با هدف تحقق اولویت‌هایشان هستند. محتویات دقیق آنچه در این قرارداد قید شده مشخص نیست. اما در مقایسه با معاهده قبلی که بیش از بیست سال پیش توسط دو کشور امضا شده بود، می‌توان گفت این توافق احتمالاً شامل روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیار گسترده‌تری خواهد بود و بر همکاری‌های نظامی و امنیتی تأکید دارد. در این میان آن‌گونه که جیمز تاوان مدعی است، احتمالاً در باب کمک‌های آموزش نظامی و خرید جت‌های جنگنده سوخو- ۳۵ سامانه موشکی آ۰۰۰ رایزنی‌هایی خواهند داشت.

مقابله با دشمن مشترک

این موسسه مطالعاتی آورده، حل از حوزه دفاعی، معاهده جدید همچنین قرار است همکاری را در زمینه‌هایی مانند تجارت، رسانه، آموزش، اکتشاف قضا، تبادل فرهنگی وسیستم پرداخت مشترک گسترش دهد. مسکو و تهران همچنین مشتاق حل اختلافات مربوط به ایجاد خطوط لوله اصلی گاز در ایران، اجراء پروژه‌های گاز طبیعی و محصولات نفتی هستند. ارتقای زیرساخت‌ها از جمله موضوعات دیگر مورد بحث میان دو کشور قلمداد می‌شود، مسکو و تهران تلاش کرده‌اند تا کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال- جنوب (INSTC) راگسترش دهند. این کریدور که در امتداد دریای خزر قرار دارد، روسیه را به بنادر جنوبی ایران وصل می‌کند و دسترسی به بازارهای اقیانوس هند و آسیای جنوبی را فراهم می‌نماید. این کریدور از قرن شانزدهم به عنوان یک مسیر تجاری تاریخی بین روسیه و ایران تعریف شد است که هر دو برای دور زدن نفوذ و دسترسی عثمانی و دسترسی به بازارهای دور در سراسر منطقه از آن استفاده می‌کردند. در حالی که ایران و روسیه در طول دوران امپراتوری برای نفوذ در قفقاز و خاورمیانه با رقابت داشتند، همکاری آن‌ها ریشه‌های تاریخی دارد. در اواخر قرن شانزدهم، ایران و تزاروم روسیه برای مقابله با توسعه عثمانی با یکدیگر هم صدا شدند. به طور مشابه، در شرایط امروزی، گرم شدن روابط روسیه و ایران ناشی از نارضایتی‌های مشترک علیه غرب وتمایل مشترک آن‌ها برای به چالش کشیدن نظم جهانی است. حمایت تهران از مقاومت در سراسر خاورمیانه و حمایت مسکواز سوریه هر دو نمونه‌هایی از تلاش‌های آنها برای مقابله با نفوذ غرب در منطقه تلقی شده است. به طور کلی حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ زمینه‌اربابی همکاری دوبار بزرگ هموار کرد. منزوی شدن در عرصه تجارت با غرب و مواجهه با تحریم‌های سنگین، زمینه‌ساز چرخش روسیه به خاورمیانه و آسیا شد و موجب شد تا ایران با به شریکی ضروری برای مسکو تبدیل شود. به ادعای جیز تاوان، ایران تسلیحات پیشرفته‌ای را از روسیه دریافت کرده است و در کنارش روسیه تلاش دارد از مقاومت بالاخص جونی‌ها در یمن حمایت کند، گزاره‌ای که قادر است روابط مسکو با عربستان و امارات را به شکل منفی تحت تأثیر قرار دهد. تغییر موضع مسکو در ارتباط با ایران در سال‌های اخیر برجسته‌تر شده است.

اگر قرار است آقای پزشکیان به وعده‌هایی

که به مردم داده عمل کند، باید بتواند

بین نهاد ریاست جمهوری و نهاد‌های بالادستی حاکمیتی تعامل موثر ایجاد کند